

شیخ بهایی

عالم بزرگ ذوفنون

پروفسور سیدحسن امین

چکیده

شیخ بهاءالدین عاملی معروف به شیخ بهایی از عالمان بزرگ جهان تشیع در عصر صفویان بود که در کودکی همراه پدرش از جبل عامل لبنان به ایران مهاجرت کرد. بزرگ‌ترین ویژگی او، جامعیت و ذوفنون بودن او در تمام علوم عقلی و نقلی و احاطه اش بر جمیع رشته‌های معارف اسلامی بود. وی دارای آثاری در فقه، اصول، ریاضیات، نجوم، هیأت، حساب، معماری، مهندسی، عرفان، ادبیات، علوم غریبه و جز آن‌هاست و در تمام این رشته‌ها علاوه بر تالیف کتاب‌ها و رساله‌های ارزشمند، به تربیت شاگردانی عالی‌قدر هم چون مآصدرا، محمدتقی مجلسی و فیض کاشانی پرداخت.

یونسکو سال ۲۰۰۹ میلادی را سال شیخ بهایی اعلام کرده است و ایران هم به همین مناسبت کنگره‌یی بین‌المللی تشکیل داده است. مقاله‌ی حاضر به دعوت آن کنگره از این قلم تحریر شد، با تشکر از آقایان دکتر صفاخواه، دکتر مدینه‌ای و دکتر محمدرضا بیگدلی که از من دعوت گرفتند.

□ مسیر زندگی

شیخ بهایی، بهاءالدین محمد عاملی، متخلص به بهایی و معروف به شیخ بهایی فرزند شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد شمس الدین محمد حارثی جبل عاملی همدانی جیبی (بعلبک ۲۷ ذی‌حجه‌ی ۹۵۳ - اصفهان ۱۲ شوال ۱۰۳۱ ق) دانشمند ذوفنون شیعی و شیخ الاسلام عصر صفوی، نسب او به حارث بن عبدالله اعور همدانی (م ۶۵ ق) از خواص اصحاب امام علی (ع) می‌رسد. شیخ بهایی در یک سالگی به همراه پدرش شیخ عزالدین (۹۱۸-۹۸۴ ق) از بعلبک به جبل عامل - از مراکز معروف شیعه در شمال شهر صیدا - هجرت کرد. پدرش که در زمره‌ی شاگردان و اصحاب نزدیک شیخ زین‌الدین علی بن احمد عاملی معروف به شهید ثانی (شهادت ۹۶۶ ق) درآمده بود، پس از شهادت استاد خویش صحنه را در جبل عامل بر خود تنگ دید و با شنیدن خبر استقرار

کرد، شیخ بهایی به جای او به منصب شیخ الاسلام هرات منصوب شد، ولی به فاصله‌ی چند ماه پس از فوت استاد و پدر همسرش (شیخ زین‌الدین علی منشار عاملی)، به جای او به منصب «شیخ الاسلام اصفهان» رسید.

شیخ بهایی که نخست در سلطنت شاه اسماعیل دوم (حکومت ۹۸۴-۹۸۵ ق) یا سلطان محمد خدابنده (حکومت ۹۸۵-۹۹۵ ق) به شیخ‌الاسلامی اصفهان رسیده بود، در سلطنت شاه عباس یکم (حکومت ۹۹۶-۱۰۳۸ ق) از سمت شیخ‌الاسلامی اصفهان استعفا کرد و به سیر و سفر پرداخت. مقصد نخستین او مکه و مدینه بود و از آن‌جا به عراق، حجاز، مصر، دمشق، حلب و بیت‌المقدس رفت و سپس از راه تبریز، قزوین به ایران بازگشت و به اصفهان رفت و از آن‌جا با پای پیاده به همراه شاه عباس در ۱۰۰۸ ق به زیارت مشهد مشرف شد و آن‌گاه به اصفهان بازآمد و عاقبت در آنجا در ۱۲ شوال ۱۰۳۰ ق بدرود زندگی گفت و جنازه‌اش را پس از تشییعی بی‌نظیر از آنجا به مشهد منتقل کردند و در جوار حرم حضرت رضا (ع) دفن کردند. اعتمادالدوله میرزا ابوطالب مادّه تاریخ فوت او را چنین سروده است:

رفت چون «شیخ» ز دار فانی
گشت ایوان جنانش ماوای
دوستی جست ز من تاریخش
گفتمش: (شیخ بهاءالدین وای)
دیگری در فوت او گفته است: افسر
(فضل) اوفتاد، بی سر و پا گشت (شرع) که
برابر آن باید حرف اول کلمه‌ی (فضل) و
حرف اول و آخر کلمه‌ی (شرع) ساقط شود، تا
ارزش عددی حروف باقی مانده‌ی این دو
کلمه، یعنی حروف (ض.ل.ر) ماده تاریخ
وفات شیخ بهایی (۱۰۳۰) را نشان می‌دهد.

استادان

- ۱- پدرش عزالدین حسین عاملی (علوم ادبی و بلاغی، تفسیر، حدیث)^۲
- ۲- پدر همسرش زین‌الدین علی منشار عاملی
- ۳- شیخ عبدالعالی کرکی (م ۹۹۳ ق)
فرزند محقق کرکی

دولت شیعی صفوی در ایران به دعوت شیخ علی منشار کرکی - شیخ‌الاسلام شهر اصفهان - به خیل علمای مهاجر جبل عامل به ایران پیوست و نزد شیخ علی منشار به اصفهان آمد و پس از سه سال اقامت در اصفهان، به توصیه‌ی شیخ منشار کرکی از سوی تهماسب یکم نخست به مقام شیخ الاسلامی سپس تصدّی شریعت ممالک خراسان عموماً و شیخ الاسلامی مشهد و دارالسلطنه‌ی هرات خصوصاً منصوب شد و گویا در همان ایام رساله‌یی در باب وسواس که تهماسب یکم بدان مبتلا بود، با عنوان العقد فی الوسوسة والطهاره نوشت. در فاصله‌ی هشت سال که پدر شیخ بهایی، در خراسان بود، شیخ بهایی در قزوین ماند و به تکمیل معلومات خود پرداخت. عاقبت پدرش از هرات به قزوین آمد و از شاه اسماعیل دوم اجازه‌ی خروج از ایران را به قصد سفر حج گرفت و چون در بازگشت از این سفر در بحرین فوت

۴- ملا عبدالله یزدی (م ۹۸۱ق)
صاحب حاشیه معروف بر تهذیب المنطق
تفنازانی (حکمت، کلام و بعضی از علوم
منقول)

۵- ملا علی مذهب (علوم ریاضی،
هیئت و نجوم)

۶- ملاعلی قاضی

۷- ملا افضل قاضی (علوم ریاضی)

۸- ملا محمدباقر بن زین العابدین
یزدی صاحب **مطالع الانوار** (هیئت) و
عیون الحساب (ریاضی)

۹- شیخ احمد گجایی معروف به پیر
احمد قزوینی

۱۰- معین الدین ابو محمد محمود



دهدار شیرازی متخلص به عیانی (م ۱۰۱۶
ق) مولف **سر الاسرار**، **حل الرموز**،
سجنبل الاسماء، **مفتاح الاستخراج** در
جفر، **زبدة الالواح** در جفر، **جامع الفوائد**
در علم حروف (علوم غریبه)

۱۱- حکیم عمادالدین محمود (طب)

۱۲- محمد بن محمد بن محمد بن
ابی اللطیف مقدس (حدیث اهل سنت)

مشایخ روایت

مشایخ حدیث شیخ بهایی در مذهب
امامیه پدرش شیخ عزالدین حسین عاملی
و میرداماد و در مذهب اهل سنت محمد

بن محمد بن محمد مقدسی بوده‌اند.
هم‌چنین بسیاری از بزرگان امامیه از جمله
ملاصدرا شیرازی از او اجازه‌ی حدیث اخذ
کردند که بعضی از آن‌ها به خط خود شیخ
بهایی موجود است و نمونه‌ی آن راجع به
محمد امین نامی مورخ ۱۰۱۴ ق. در ذیل
احوال شیخ بهایی به چاپ رسیده است.

زبان شیخ بهایی

زبان شیخ بهایی، عربی بود و چون وی در
هفت سالگی به ایران آمد، توانست زبان
مادری فارسی را هم چون زبان مادری از
کودکی بیاموزد و از هفت سالگی تا ده سالگی
که مقیم اصفهان بود، از آن به‌صورت زبان
مجاوزه‌ی معمول و معنادار استفاده کند. تا
آن‌که وقتی در ده سالگی از اصفهان به قزوین
شد، در آن شهر، علاوه بر فارسی، زبان ترکی
را نیز که زبان دوم مجاوزه‌ی آن شهر بود، به
خوبی بیاموزد. بنابراین شیخ بهایی در هر سه
زبان عربی، فارسی و ترکی مسلط شد.
چنان‌که به عربی و فارسی به نظم و نثر آثار
شیوایی از خود برجای گذاشته است و هم در
کشکول اشعاری به زبان ترکی نقل کرده که
نشان دهنده‌ی آشنایی کامل او با این زبان
است.

مذهب و مشرب

شیخ بهایی با وجود جامعیت در علوم و
معارف اسلامی، در هیچ یک از شاخه‌های
علمی «موسس» نظریه‌ی تازه‌ی نبود و
نوآوری‌های او به حد مشابه و هم عصرش
مانند میرداماد و ملاصدرا نمی‌رسد. او در عین
علاقه‌مندی به تصوف و عرفان، در سرتاسر
عمر به طور تمام وقت به تدریس فقه اشتغال
داشته و معروف است که وقتی ملاصدرا از
میرداماد برای انتخاب استاد، راهنمایی
خواست، میرداماد به او گفت اگر طالب منقولی
نزد شیخ بهایی رو و اگر طالب معقولی نزد
میرفندرسکی رو و اگر خواهان هر دویی نزد
من آی. با وجود این، شیخ بهایی اگر چه در
حوزه‌ی علمیه‌ی اصفهان به تدریس فقه
اختصاص داشته، اما در زمینه‌های مختلف
علمی به مباحثه و تالیف و تصنیف اشتغال
داشته و مشرب او تقریب بین شریعت و

طریقت یا فقه و عرفان بوده است، چنان‌که
منظومه‌ی نان و پنیر فارسی را با عبارتی به
نشر عربی آغاز کرده و طی آن فقیهانی را که
تصوف ندانند و صوفیانی را که فقه نشناسند،
زندیق خوانده و کسی را که بین فقه و تصوف
جمع کند، محقق و بر حق شناسانده و گفته
است:

تمام عمر با اسلام در داد و ستد بودم
کنون می‌میرم و از من بت و زنار می‌ماند^۳
بلکه در منظومه‌ی شیر و شکر، همه‌ی
علوم رسمی و متداول را علم مجازی خوانده و
کتاب‌های علوم عقلی را یکان یکان مورد قدح
قرار داده و گفته است:

ای کرده به علم مجازی خوی
نشنیده ز علم حقیقی بوی
سررم به حکمت یونانی دل
سر ز حکمت ایمانی
در علم رسوم گرو مانده
نشکسته ز پای خود این کنده
بر علم رسوم چو دل بستی
بر اوچت اگر ببرد، پستی
یک درنگشود ز مفتاحش
اشکال افزود ز ایضاحش
ز مقاصد آن مقصد نایاب
ز مطالع آن طالع در خواب
راهی ننمود اشاراتش دل
شاد نشد ز بشاراتش
محصول نهد محصل آن
اجمال افزود مفصل آن
تاکی ز شفاه شفا طلبی و ز
کاسه‌ی زهر دوا طلبی
اگرچه در تشیع شیخ بهایی با توجه به
تعلق او و خانواده اش به شیعیان جبل عامل و
نیز تالیفات بسیارش در فقه و معارف شیعی و
به خصوص قصیده‌ی معروف «وسیله الفوز و
الامان» او در مدح امام زمان (عج) جای هیچ
گونه تردیدی نیست، بعضی از علمای اهل
سنت، شیخ بهایی را که صحیح بخاری و
مسلم را نزد محمد بن محمد بن محمد لطیف مقدسی
شافعی خوانده و از او اجازه‌ی حدیث اخذ کرده
و هم بر تفسیر زمخشری و تفسیر بیضاوی،
حاشیه نوشته و به خصوص در مسافرت‌های
خود به قلمرو عثمانی ظاهراً بر اثر تقیه با اهل
سنت مباحثات می‌کرده است، سنی مذهب

توهم کرده‌اند. به‌خصوص که وی دیباچه‌ی تفسیری را که اصلاً به‌نام شاه عباس اتخاف کرده بود، پس از آمدن به سوریه، به‌نام سلطان مراد سوم، امپراطور عثمانی (حکومت ۹۸۲-۱۰۰۳ ق) تغییر داد و به‌هنگام اقامت در حلب به مذهب امام شافعی عمل می‌کرد و به صحابه حرمت می‌نهاد و می‌گفت که در ایران بر اثر فشار پادشاهان صفوی به تشیع مجبور شده است. ۵ اما تشیع او محرز و توسل او به معصومان شیعه در آثار منظوم و منثور او بارز است. از جمله‌ی آثار او صلوات مشهوری است که برای چهارده معصوم ساخت و با عبارت «اللهم صل و سلم و زد و بارک علی صاحب الدعوة النبویه» شروع می‌شود و آن را خدام بقاع متبرکه در مراسم اعیاد در آستان قدس رضوی و حضرت معصومه و مذكران شیعه در دیگر مجالس مذهبی می‌خوانند. وی هم‌چنین در مقام توسل به معصومان شیعه در منظومه‌ی شیر و شکر اشعاری دارد که ابیاتی از آن عبارتند از:

یارب! به نبی و وصی و بتول
 یارب! به تقرب سبطین رسول
 یارب! به عبادت زین عباد
 به زهدات باقر علم و رشاد
 یارب! یارب! به حق صادق
 به حق موسی به حق ناطق
 یارب! یارب! به رضا شه دین
 آن ثامن ضامن اهل یقین
 یارب! به تقی و مقاماتش
 یارب! به نقی و کراماتش
 یارب! به حسن شه بحر و بر
 به هدایت مهدی دین پرور
 زین غم برهان که گرفتار است
 در دست هوی و هوس زار است
 شیخ بهایی هم‌چنین در بسیاری دیگر از آثار خود به صراحت به معصومان شیعه متوسل شده است و از جمله در غزل زیر پس از پیامبر اکرم از میان ازواج پیامبر تنها از حضرت خدیجه به‌عنوان همسر آن حضرت و سپس از حضرت فاطمه (س) و دوازده امام شیعه چنین یاد کرده است:

الهی، الهی، به حق پیامبر
 الهی، الهی، به ساقی کوثر
 الهی، الهی، به صدق خدیجه

الهی، الهی، به زهرای اطهر
 الهی، الهی، به سبطین
 احمدالهی به شبیر، الهی به شبر
 الهی به عابد، الهی به باقر
 الهی به موسی، الهی به جعفر
 الهی، الهی، به شاه خراسان
 خراسان چه باشد، به آن شاه کشور
 شنیدم که می‌گفت زاری، غریبی
 طواف رضا چون شد او را میسر
 من این جا غریب و تو شاه غریبان
 به حال غریب خود از لطف بنگر
 الهی به حق تقی و به علمش
 الهی به حق نقی و به عسکر
 الهی، الهی، به مهدی هادی
 که او مومنان راست هادی و رهبر
 که بر حال زار بهایی نظر کن
 به حق امامان معصوم یک سر^۶
 شیخ بهایی علاقه‌ی خاصی به تصوف و عرفان داشته و مطالبی بسیار در کشکول و شرح اربعین و دیگر آثار خود از ابن عربی، سهروردی، ابن فارض، مولوی، عطار، حافظ و دیگر بزرگان و مشایخ طریقت نقل کرده و به علمای ظاهر به نظم و نثر از جمله در موش و گربه‌ی خود تاخته است. اما انتساب رساله‌ی مستقلی به‌عنوان وحدت وجود که در ۱۳۲۸ ق در قاهره چاپ شده و طی آن مؤلف از صوفیه تجلیل کرده و از تجارب عرفانی و روحانی خود سخن گفته است، به او جداً محل تردید است. شیخ بهایی ظاهراً در طول مسافرت‌ها در کسوت درویشی و نه در زی علما حرکت می‌کرده است. وی احتمالاً به سلسله‌ی صوفیان نور بخشیه یا نعمه‌اللهیه متعلق بوده است.

از نشانه‌های تعلق خاطر شیخ بهایی به سلسله‌ی نوربخشیه یا نعمه‌اللهیه یکی این است که چون این هر دو سلسله بنا به قول مشهور از طریق بایزید بسطامی به امام صادق (ع) متصل می‌شود و از جهت تاریخی به علت این که ولادت بایزید پس از وفات امام صادق (ع) بوده است، چنین اتصالی ممکن نیست، شیخ بهایی دست به تثبیتاتی برای اثبات این معنی زده و مدعی شده است که در تاریخ اسلام دو بایزید داشته‌ایم، یکی بایزید اول که سقایی امام صادق بوده و دیگری بایزید دوم مشهور که

از مشایخ صوفیه در قرن سوم بوده است.^۹ شیخ بهایی به همین دلیل از سوی ملا محمدباقر مجلس و محمد بن سلیمان تنکابنی مورد انتقاد واقع شده است. اکثر منابع او را خلیفه‌ی شیخ محمد مؤذن سیزواری قطب نوربخشی دانسته‌اند. باری شیخ بهایی در اربعین از ابن عربی به «شیخ العارفین» و در کشکول به «جمال العارفین» تعبیر کرده است.

شیخ بهایی با آن که حائز عالی‌ترین مناصب رسمی روحانی در عصر خود یعنی شیخ‌الاسلامی اصفهان بوده و مورد توجه مخصوص شاه عباس قرار داشته است، به عزلت و انزوا گرایش داشته و قرب پادشاهان را خوش نمی‌داشته است:

چنان که در نان و حلوا گفته است:
 نان و حلوا چیست؟ دانی ای پسر؟
 قرب شاهان، زین قرب الحذر
 می‌برد هوش از سر و از دل قرار
 الفرار از قرب شاهان، الفرار
 شیخ بهایی به نیکوکاری اهتمام تام داشت، از جمله خانه‌ی شخصی مسکونی خود را به پرورشگاهی برای سکونت یتیمان و فقیران و بیوه زنان اختصاص داد.

اهمیت علمی

اهمیت علمی شیخ بهایی در جامعیت و ذوفنونی اوست، ولی شهرت عمده‌ی او علاوه بر فقه و اصول که فن اصلی او و موجب شهرت او به «شیخ» و انتصاب او به منصب «شیخ‌الاسلامی» است، به دلیل تبحر او در دو زمینه‌ی مهم علوم غریبه از یک سوی و مهندس و معماری از سوی دیگر است:

الف. فقه و اصول

۱- مهم‌ترین کتاب فقهی شیخ بهایی **مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین** (ساخته‌ی ۱۰۱۵ ق) در فقه استدلالی امامیه بر اساس کتاب و سنت است که شیخ بهایی تنها به نگارش باب طهارت آن توفیق یافته است. مقدمه‌ی مشروح و تفصیلی این کتاب درباره‌ی

تقسیم احادیث و معانی اصطلاحات علم الحدیث و ارائه‌ی دلایل و وجوه جعل این اصطلاحات، به استقلال، از ارزش خاصی برخوردار است.

۲- **جامع عباسی** که از اولین و معروف‌ترین رساله‌های علمیه به زبان فارسی است و مکرر به چاپ رسیده و بزرگان شیعه بر آن حاشیه زده‌اند.

۳- **حبل المتین فی احکام احکام الدین** (ساخته‌ی ۱۰۰۷ ق) در فقه که تا پایان باب صلوة نوشته و طی آن بالغ بر یک هزار روایت را به عنوان مستندات احکام فقه تجزیه و تحلیل کرده است و مقدمه‌ی در درایه الحدیث با نام الوجیزه بر آن نوشته است که بعدها به صورت تالیفی مستقل معروف شده است.

۴- **الاثنا عشریات** در فقه که نام پنج رساله‌ی فقهی است که هر کدام از آن‌ها با عنوان **الاثنا عشریه** مشتمل بر چندین باب و هر باب منقسم بر دوازده حکم است و شیخ بهایی آنها را به تفاریق طی مدت سیزده سال (۱۰۱۲-۱۰۲۵ ق) تالیف کرده است و مجموعه‌ی آن‌ها به الاثنا عشریات الخمس مشهور است.

۵- **زبدۃ الاصول** در اصول فقه که تا قبل از رواج کتاب‌های قوانین میرزای قمی و کفایه آخوند خراسانی، از کتاب‌های درسی حوزه‌های علمیه بود.

ب - علوم غریبه

شاید در میان حکیمان و عارفان مسلمان، هیچ کس به اندازه شیخ بهایی به تبحر و مهارت در زمینه‌ی علوم غریبه مشهور نباشد. وی در کشکول، علوم را به دو بخش عمده تقسیم می‌کند: اول، علوم جلیه که همان دانش‌های متداول عقلی و نقلی است و دوم، علوم خفیه که عبارتند از پنج علم کیمیا، لیمیا، هیمیا، سیمیا، ریمیا که به صیغه‌ی تخفیف (با استفاده از حرف اول هر یک از این پنج رشته) «کله سر» خوانده می‌شود، و کتابی هم با این عنوان مورد استفاده‌ی او بوده است. افزون بر این، فالنامه‌ی به شیخ بهایی منسوب است که استاد سیدعلینقی امین، آن را استنساخ و

سپس تحریر و تہذیب کرده‌اند و آن فالنامه بعدها از سوی مرحوم محمد وجدانی (سردفتر اسناد رسمی تهران) چاپ شد. آن فالنامه‌ی شیخ بهایی یا فال گرفتن‌های معمول از دیوان حافظ و یا مثنوی مولانا متفاوت است، یعنی در فالنامه‌ی شیخ بهایی، به عوض این که «سرکتاب بگشایند» جوینده‌ی فال باید انگشت خود را بر روی حرفی از حروف آن صفحه بگذارد، تا جواب خود را با محاسبه‌ی حروف بعدی، بیابد. این امر در مورد اشعار حافظ نیز عیناً به انجام رسیده است. یعنی غزلیات حافظ، به صورت حروف ناپیوسته در صفحه‌های شطرنجی شکل نوشته‌اند و جوینده‌ی فال باید، چشم خود را ببندد و انگشت خود را روی آن صفحه بگذارد. بر حرفی که در آن خانه دست نهاده در نظر بگیرد و نه نه آن‌ها را به ردیف بنویسد تا بیتی از غزل حافظ به دست آید.

شیخ بهایی علی‌التحقیق در علم اعداد و حروف و اوافق نیز تخصص داشته است، چنان‌که در چندین مورد برای ثبت تاریخ حوادث مختلف ماده تاریخ‌های مناسب ساخته و از جمله در کتاب جامع عباسی که به حقیقت به عنوان «رساله‌ی علمیه» برای شیعیان عصر صفوی تالیف شده است، با استفاده از نمیه‌ی زبر و بیئات به حساب ایجاد برای نام شاه عباس صفوی معمایی در تعبیر (خلد الله ملکه) یافته و گفته است:

شاه عباس خسرو ایران

تاج بخش شهبان و شاه جهان

که چو این نام بر زبان رانند

(خلد الله ملکه) خوانند

بیئات و زبر اگر دانی

یابی این نکته را به آسانی

چنان‌که باز تاریخ فتح ایروان به دست

عباس یکم را مطابق لفظ (شیخ بهاء الدین) =

۱۰۱۳ ق و تاریخ جشن نوروز ۱۰۱۸ ق را در

دوازدهم محرم آن سال، مطابق (علی

ببخشد) یافته است. باز در منبع دیگر (از

جمله **کشکول کیمیا**) از شیخ بهایی نقل

کرده‌اند که در آن روزگاران گذشته که راه‌ها و

طرق ارتباطات امروزی هم چون پست و

تلگراف، تلفن و فاکس و ایمیل وجود نداشت

با استفاده از این دستورالعمل ساده، می‌توان بر

احوال شخص غائب مطلع شد و آن این است که برابر ارزش عددی حروف ایجاد، نام شخص غائب و نام مادر او را، با اسم روز هفته‌ی که محاسبه در آن روز انجام می‌شود، جمع کنند و حاصل جمع ارزش عددی آن سه اسم را، چهار - چهار طرح کنند. اگر عدد باقی مانده، ۴ (چهار) بود، این دلالت بر صحت و سلامت شخص غائب دارد. اگر عدد باقی مانده، ۳ (سه) بود، این دلالت بر بیماری و رنجوری آن شخص دارد. اگر عدد باقی مانده، ۲ (دو) بود، این دلالت بر مسافرت آن شخص به سفری دور و دراز دارد. اگر عدد باقی مانده، ۱ (یک) بود، دلالت بر زندانی بودن و تنها بودن او دارد.

۲-۲-۲- ریاضیات و نجوم و هیات

خلاصه الحساب (عربی) تالیف ۱۰۰۵

ق مشتمل بر یک مقدمه و ده باب و یک خانمه که به عربی و فارسی شرح بسیار بر آن

نوشته شده و جی. اچ. ال نسل من G.H.L.Nesselmann نیز در ۱۸۴۳ م آن را به

آلمانی ترجمه و منتشر کرده است. شیخ بهایی از ریاضی دانان عصر خود بود و علاوه بر تالیف

خلاصه الحساب که تا چند نسل پیش در حوزه‌های اسلامی، عمده‌ترین کتاب درسی در

علم ریاضی محسوب می‌شد و نیز کتاب **بحر الحساب** (عربی) که در

الحساب به آن ارجاع داده و رساله‌ی جبر و مقابله که نسخه‌ی از آن نزد سعید نقیسی

موجود بوده، در کشکول هم مکرر مباحثی از علوم ریاضی ذکر کرده است و از جمله برای

اثبات بطلان نظریه عدم تناهی ابعاد ۱۰ به استدلالات ریاضی متوسل شده و باز در

منظومه‌ی **شیر و شکر** به قائلان برهان تناهی ابعاد چنین خطاب کرده است:

در سر نهاده به جز بادت

برهان تناهی ابعاد^{۱۱}

تشریح الافلاک در علم هیئت و نجوم

مشتمل بر یک مقدمه و پنج فصل و یک خانمه که پس از **خلاصه الحساب** مهم‌ترین

کتاب درسی از بین تالیف شیخ بهایی در حوزه‌های علمیه بوده است و عده‌ی از دانشمندان بر آن شرح نوشته‌اند. علاوه بر این

کتاب، شیخ بهایی رساله‌هایی نیز در نجوم و هیئت اسطرلاب نوشته است که مخصوصاً

برای تعیین سمت قبله محل استفاده قرار می‌گرفته است، از جمله: **صحیفه ی اسطرلاب، ملخص فی الهیئه، تضاریس الارض، شرح شرح چغمینی، شرح شرح قاضی زاده‌ی رومی، حبل المتین** و رساله‌ی مستقل در قبله‌شناسی با عنوان تحفة اهل الايمان فی قبله عراق العجم و خراسان است که در آن نظریه محقق کرکی (شیخ الاسلام تهماسب اول) را که می‌پنداشت اهل عراق عجم و خراسان باید در موقع نماز ستاره‌ی جدی را بین الکتفین قرار دهند و لذا به گمان آن که محراب‌های مساجد ایران، از قبله منحرف است، دستور تخریب محراب‌های موجود و تجدید بنای آن‌ها را (مایل به جنوب) داده بود، رد کرده است.^{۱۲}

د- معماری و مهندسی

آثار مهندسی، مسأحی و معماری متعددی به شیخ بهایی منتسب است، اما طرح اغلب آن‌ها را نمی‌توان با قطعیت به او نسبت داد. مهم‌ترین و مشهورترین آن‌ها که به «طومار شیخ بهایی» راجع به تقسیم آب زاینده‌رود به هفت قسمت برای محلات مختلف اصفهان و روستاهای مجاور مشهور است، به گزارش محمدباقر الفت که اصل طومار را دیده از آثار شیخ بهایی نیست، زیرا که در صدر تومار مذکور تاریخ تحریر آن سال ۹۲۳ ق، یعنی سی سال پیش از تولد شیخ بهایی، ضبط شده است.^{۱۳} آثار معماری و مهندسی منتسب به شیخ بهایی که صحت انتساب آن‌ها نیز محل تردید نیست، عبارتند از:

۱- تعیین سمت قبله‌ی مسجد شاه اصفهان به مقیاس چهل درجه انحراف غربی از نقطه‌ی جنوب، ۲- طراحی نقشه‌ی حصار نجف، ۳- طراحی و ساخت شاخص ظهر شرعی در مغرب مسجد شاه اصفهان، ۴- طراحی دیواری در صحن حرم امام علی (ع) در نجف به طوری که زوال شمس را در تمام ایام سال مشخص کند. اما آثار معماری و مهندسی که به نام شیخ بهایی معروف است و انتساب آن‌ها محل تردید واقع شده است، عبارتند از:

۱- طرح‌ریزی کاریز نجف آباد اصفهان مشهور به قنات زرین کمر به طول نه فرسنگ،

۲- ساختن منارجنبان اصفهان،

۳- طراحی گلخن حمامی واقع در میان مسجد جامع و هارونیه در بازار کهنه نزدیک بقعه‌ی معروف به درب امام در اصفهان که خزینه‌ی آن با حرارت یک شمع گرم می‌شده است، ۴- اختراع سفیدآب معروف به سفید آب شیخ.

هـ- تالیفات متفرقه:

۱- کشکول: که آن را پس از مخلات در مصر تالیف کرده است و مطالب عرفانی و تاریخی و ادبی و حتا علمی و ریاضی بی‌شماری اغلب از علمای اهل سنت در آن گنجانیده است. چنان‌که نخستین مطالبی که در این کتاب بدان‌ها آغاز کرده است، نخست

اختصار مشتمل بر آراء مختلف نجات و مشتمل بر شواهد متعدد از قرآن و حدیث است و شروح متعددی بر آن نوشته شده است که مهم‌تر از همه شرح سید علی خان مدنی به نام الحدائق الندییه است.

و- آثار منثور ادبی فارسی

مهم‌ترین اثر منثور ادبی شیخ بهایی به فارسی پند اهل دانش و هوش به زبان گریه و موش است. این رساله که از یک سو متأثر از موش و گریه منظوم عبید زاکانی و از سوی دیگر تأثیرگذار در رساله‌ی منثور جواهر العقول منسوب ملامحمدباقر مجلسی (چاپ ۱۳۲۴ ق) است، چنین شروع می‌شود: «آورده اند که موش پر هوشی سفید

شیخ بهایی، عالم بزرگ ذوفنون عصر صفوی، در تمام رشته‌های معارف بشری از جمله علوم انسانی، حقوق (فقه و اصول)، ریاضیات، نجوم، هیأت، حساب، معماری، مهندسی، عرفان و علوم باطنی تالیف و تصنیف دارد.

در گوشه‌ی قرار گرفته و از گوشه‌ی توشه تمتع کرده: ناگاه گریه‌ی در کلبه‌ی او درآمد. موش... آهی می‌کشید. گریه برآشفست و گفت: ... از برای چه... سلام نکردی؟ موش... گفت: ای شهریار عالی‌مقدار... از جواب عاجزم... گریه... گفت: ای نابکار! از من ستمی به تو رسیده... سلام کردن در کتاب‌ها نوشته شده سنت است و جواب سلام واجب. پس اگر تو سلام کنی، امر سنتی به‌جا آورده باشی و مرا متعهد امر واجبی کرده‌ی زیرا که دیگر کسی در میان ما و تو نیست که جواب سلام گوید تا فرض کفایه به‌جا آید. پس ای موش! در سلام صرفه‌تور می‌شد. دیگر آن که سبقت در سلام، ثواب عظیم دارد و خواستم که ثواب جهت تو حاصل شود...»^{۱۶}

نقل قولی از التفسیر الکبیر امام فخر رازی و دیگری مطلبی به نقل از احياء العلوم ابو حامد غزالی است.^{۱۴}

۲- مخلات: که آن را در جوانی تالیف کرده و به شرح آن‌چه در سرآغاز کشکول نوشته است، چیزهایی که دل خواهد و دیده را لذت دهد، بویژه از تفسیر و تأویل و اخبار و آثار و مواعظ بهترین اقوال را برگزیده و در آن گنجانیده است.^{۱۵} اما آنچه به عنوان مخلات در ۱۳۱۷ ق در مصر منتشر شده و نشانه‌ی تسنن مولف است، به احتمال قوی منحول است.

۳- القوائد الصمدیه: معروف به صمدیه در دستور زبان عربی که شیخ بهایی آن را برای برادرش عبدالصمد تالیف کرده و از کتب درسی در شمار جامع المقدمات است و بر رغم

آثار منظوم فارسی

شیخ بهایی به پارسی اشعار بسیاری سروده است که اغلب آنها را در کشکول نقل کرده است. کلیات اشعار فارسی او شامل غزلیات، مثنویات (نان و حلوا، شیر و شکر، نان و پنیر)، قطعات، رباعیات، مستزاد و مخمس به همت استاد سعید نفیسی با مقدمه‌یی سودمند و تفصیلی در شرح حال شیخ بهایی در ۱۰۳ صفحه، نخست در ۱۳۱۶ ش و بعد از آن مکرر به چاپ رسیده است. با این همه نسخه‌ی مزبور، از چند جهت ناقص است، اول این که شامل کلیه اشعار فارسی او نیست، چنان که تعداد ابیات مثنوی ملمع نان و حلوا یا سوانح سفر الحجاز که به طور پراکنده در کشکول ضبط است و هم‌چنین مثنوی طوطی نامه بیش‌تر از متن مذکور در کلیات اشعار و آثار شیخ بهایی چاپ سعید نفیسی است، و ثانیاً این که اشعار عربی او را در بر ندارد و ثالثاً این که انتساب بعضی از اشعار فارسی که در این کلیات آمده است، به شیخ بهایی، جای تردید است. اشعار فارسی شیخ بهایی به جهت این که زبان فارسی، زبان مادری او نبوده است، از منظر فصاحت و بلاغت به پای آثار استادان بزرگ نظم فارسی نمی‌رسد، ولی هم از جهت ارزش پیام و محتوا و هم از جهت لحن صادقانه و خالی از ریا، در بین فارسی‌زبانان بسیار مطلوب واقع شده است و قسمت اعظم آن‌ها مخصوصاً در نسل‌های سابق سینه به سینه بین ایرانیان محفوظ مانده و در مجالس عمومی به‌وسیله‌ی سخنوران و مدکران و آوازخوانان به لحن خوش تکرار می‌شده است.

در اشعار فارسی شیخ بهایی، نوآوری‌هایی در سبک دیده می‌شود. از جمله، مثنوی شیر و شکر اولین منظومه‌یی است که در بحر متدارک (خَب) به فارسی سروده شده است.

ح- آثار منظوم عربی

اشعار عربی شیخ بهایی را نخست بار شیخ محمدرضا فرزند شیخ عاملی (م ۱۱۱۰) بین‌الدقین جمع کرده است و بعدها

به صورت کامل چاپ شده است. از میان اشعار عربی شیخ بهایی، مشهورترین آن‌ها قصیده‌ی با عنوان «وسيله الفوز و الامان فی مدح صاحب الزمان» در ۶۳ بیت است. وی هم‌چنین ارجوزه‌ای در وصف هرات (محل ماموریت پدرش) در جوانی به هنگام اقامت و تحصیل در قزوین و قصیده‌یی دیگر در استقبال از اشعار پدرش و نیز قصیده‌یی دیگر در رثای پدرش سروده است که همه‌ی آن‌ها موضوع اقتفاء دیگر شاعران ایرانی و عرب قرار گرفته است.

نمونه‌ی شعر عربی شیخ بهایی ابیات زیر از قصیده‌ی وسیله الفوز و الامان فی مدح صاحب الزمان (عج) است.

خليفة رب العالمين و ظله
على ساكني الغبراء من كل ديار
اما الوری طود النهی منبع الهدی
و صاحب سر الله فی هذه الدار
و من العقول العشر تبغی کمالها
و لیس علیها فی التعلیم من عار

ط- دیگر تالیفات شیخ بهایی

دیگر تالیفات شیخ بهایی عبارتند از: اثبات الانوار الالهیه، اسرار البلاغه، الاسطرلاب (عربی که به صغیره یا الرساله الاسطرلاب نیز معروف است، الاسطرلاب (فارسی) معروف به تحفه‌ی حاتمیه مشتمل بر هفتاد باب که به همین دلیل به هفتاد باب معروف است، بحر الحساب، التحفه فی تحديد الكروزنا و مساحه، تضاریس الارض، تنبيه العاقلین، توضیح المقاصد، تهذیب البیان، جبر و مقابله، جواب ثلث مسائل عجیبه، جواب المسائل الشیخ صالح الجزایری، جواب المسائل المدنیات، جهه القبله، جوهر الفرد، حاشیه‌ی اثنی عشریه صاحب معالم (در صلوه)، حاشیه‌ی ارشاد الاذهان، حاشیه‌ی تشریح الافلاک، حاشیه‌ی تفسیر بیضاوی، حاشیه‌ی تکمله خفزی، حاشیه‌ی خلاصه الاقوال علامه (در رجال)، حاشیه‌ی خلاصه الحساب، حاشیه‌ی ذکرای شهید اول، حاشیه‌ی رجال نجاشی، حاشیه‌ی زبده الاصول، حاشیه‌ی شرح عضدی، حاشیه‌ی فهرست شیخ منتخب الدین، حاشیه‌ی قواعد شهیدیه، حاشیه‌ی کشف

زمخشری، حاشیه‌ی مختلف علامه، حاشیه‌ی مطول، حاشیه‌ی معالم العلماء، حاشیه‌ی من لایحضره الفقیه که به شرح من لایحضره الفقیه نیز معروف است، الجبل المتین فی احکام الدین، حدائق الصالحین فی شرح صحیفه سیدالسادین (ع) شامل شرح بعضی از ادعیه‌ی صحیفه‌ی سجاده که قسمتی از آنها به صورت رساله‌های مستقل است، حقایق الصالحین، الحدیقه الیهلالیه (شرح دعای هلال)، حلّ الحروف القرآن، حواشی اثنی عشریه، حواشی تشریح الافلاک، حواشی زبده الاصول، حواشی شرح التذکره، حواشی قواعد شهیدیه، حواشی کشف زمخشری، حواشی مختلف علامه، درایه الحدیث، رساله اثنی عشریه، رساله احکام سجود التلاوه، رساله فی استحباب السوره فی الرد علی بعض معاصریه، رساله فی ان انوار سائر الکواکب مستفاده من الشمس، رساله فی حل اشکالی عطارد و القمر، رساله فی ذبایح اهل کتاب، رساله فی الزکوه عجیبه، رساله فی الصوم عجیبه (الرساله الصومیه)، رساله فی قصر الصلوه فی الاماکن الاربعه، رساله فی معرفه القبله، رساله فی الموارث، رساله فی نسبه اعظم الجبال الی قطر الارض، شرح الاربعین یا الاربعون حدیثاً، شرح دعای صباح صحیفه‌ی سجاده، شرح شرح چغمینی قاضی‌زاده‌ی رومی، شرح الفرائض النصیریّه خواجه نصیر طوسی، الصراط المستقیم، العروه الوثقی (تفسیر سوره‌ی حمد، عین الحیات (تفسیر)، مفتاح الفلاح (در ادعیه‌ی شبانه روزی)، ملخص الهیئه، الوجیزه فی الدرایه.

شاگردان شیخ بهایی

معتبرترین شاگردان شیخ بهایی عبارتند

از:

۱- صدرالدین محمد شیرازی معروف به

ملاصدرا (م ۹۷۹ - ۱۰۵۰ ق)

۲- ملامحسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق)

۳- محمدنقی مجلسی (م ۱۰۷۰ ق)

معروف به مجلسی اول

صاحب لوامع صاحبقرانی، چنان که فرزند

او محمدباقر مجلسی در رساله‌ی ثلاث مسائل

بعد از آنکه مطالبی چند از قول پدر خود از

شیخ بهایی نقل می‌کند، می‌نویسد: «بسیاری

شخصیت های افسانه‌ی و غرائب احوال

پیرامون احوال و کرامات و خوارق عادات شیخ بهایی قصه‌ها و داستان‌های بسیاری از دیرباز بر سر زبان‌ها بوده است که بعضی از آنها به کتاب‌ها و منابع مکتوب نیز راه یافته است که باور نکردنی‌ترین آنها قصه‌ی ازدها شدن پای افزار شیخ بهایی در حضور سفیر عثمانی در اصفهان یا مصون ماندن کشور از وبا بر اثر دفن سنگی به دست شیخ بهایی در خاک ایران است. با آن که کتاب‌های دینی و عرفانی در شرح احوال انبیا و اولیا و عرفا و مخصوصاً کتاب‌هایی که با عنوان‌های عام، دلایل النبوه، شواهد النبوه، دلائل الامامه در حق معصومان یا با عنوان فضائل، مناقب و مقامات در حق مشایخ طریقت نوشته شده

- ۱۹- شیخ محمود بن حسام‌الدین جزایری
- ۲۰- سلیمان بن علی بن راشد بحرانی شاخوری
- ۲۱- شیخ علی بن نصرالله محشی روضه البهیة
- ۲۲- شمس‌الدین محمد بن علی خاتون عاملی بن ابن خاتون (م ۱۰۲۹ ق) شارح اربعین شیخ بهایی
- ۲۳- شیخ عزالدین ابو عبدالله بن حیدر بن قمر حسینی کرکی عاملی معروف به مجتهد مفتی اصفهان (م ۱۰۷۶ ق)
- ۲۴- شیخ حسام‌الدین محمود بن درویش علی
- ۲۵- شیخ علینقی کمره‌ای (م ۱۰۶۰ ق)
- ۲۶- شیخ عبداللطیف بن علی بن احمد بن ابی جامع عاملی، شارح تهذیب الاحکام
- ۲۷- ابوطالب تبریزی

از علمای دین... مانند شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی که کتب او مشحون است به تحقیقات صوفیه و والد مرحوم حقیر از جناب شیخ بهاء‌الدین علیه‌الرحمه تعلیم ذکر و فکر گرفته بودند و هر سال یک اربعین می‌گرفتند و جمع کثیر از تابعان شریعت مقدسه را موافق قانون شرع به ریاضت وای می‌داشت... پس از این شواهد... باید که بر شما ظاهر باشد که این سلسله‌ی عالیه را... با سایر سلسله‌های صوفیه که سالک مسالک اهل ضلال اند، ربطی نیست.»^{۱۷}

۴- سیدحسین بن سیدصدر کرکی عاملی معروف به مجتهد کرکی (م ۱۰۷۶ ق) که نزدیک چهل سال ملازم او بوده است.

۵- سید ماجد بحرانی (م ۱۰۹۷ ق) محشی اثنی عشریات خمس تالیف شیخ بهایی.

۶- شیخ جواد بن سعید بغدادی کاظمینی معروف به فاضل جواد، شارح زبده الاصول و خلاصه الحساب.

۷- ملاحسن علی شوشتری (م ۱۰۹۹ ق)

۸- ملا خلیل بن غازی قزوینی (م ۱۰۸۹ ق)

۹- شیخ زین‌الدین بن محمد نواده‌ی شهید ثانی (م ۱۰۳۰ ق)

۱۰- ملاصالح مازندرانی (م ۱۰۸۱ ق) شارح اصول کافی

۱۱- علی بن سلیمان بحرانی (م ۱۰۶۴ ق) معروف به امام الحدیث

۱۲- رفیع‌الدین محمد نائینی (م ۱۰۹۹ ق) معروف به میرزا رفیعا

۱۳- مولا محمد شریف بن شمس‌الدین محمد روی دشتی اصفهانی (م ۱۰۸۷ ق)

۱۴- سید احمد بن زین‌العابدین علوی مولف مفتاح الشفا در شرح الهیات شفا که به فساد صوفیه فتوی داده است.^{۱۸}

۱۵- شیخ محمد بن علی عاملی تنبینی

۱۶- شیخ علی بن محمود عاملی

۱۷- شیخ نظام‌الدین بن حسین ساوجی که باب‌های بیست‌گانه‌ی جامع عباسی را پس از مرگ شیخ بهایی به فرمان شاه عباس به امام رسانید.

۱۸- مظفرالدین علی، صاحب رساله‌ی شرح حال شیخ بهایی

بزرگ‌ترین ویژگی شیخ بهایی جامعیت و ذوقنون بودن او در تمام علوم عقلی و نقلی و احاطه‌اش بر جمیع رشته‌های معارف اسلامی بود.

است. مشحون از این نوع خوارق عادات است، اما در خصوص ظهور این کرامات با این اوصاف از شخص شیخ بهایی، باید بسیار تردید کرد. باز این که در اغلب منابع، طول اسفار شیخ بهایی را مدت سی سال نوشته اند، اغراق محض است و همچنین سفر او به سرانندیب که در بسیاری از منابع ۱۹ آمده است، به افسانه شبیه است و دلیل تاریخی بر آن درست نیست.

هدر داستان نویسی و کتاب گربه و موش

در ادب کهن فارسی، داستان‌پردازی تمثیلی و نقل حکایات از زبان حیوانات برای اخذ نتیجه‌ی اخلاقی پیشینه‌ی

- ۲۸- امیر محمد قاسم بن امیر محمد طباطبایی کوهپایه‌ای (قهپانی)
- ۲۹- نجیب‌الدین علی بن شمس‌الدین محمد بن مکی بن عیسی بن حسن بن جمال‌الدین بن عیسی شامی عاملی جبلی جبعی.
- ۳۰- خلیل بن محمد اشرف قاینی اصفهانی ساکن قزوین
- ۳۱- محمدباقر بن محمد مومن خراسانی سبزواری معروف به محقق (م ۱۰۹۰ ق)
- ۳۲- یحیی لاهیجی
- ۳۳- محمدامین قاری، شارح خلاصه الحساب
- ۳۴- بهاء‌الدین محمد عاملی صغیر
- ۳۵- شمس‌الدین علی بن محمد حسینی خلخالی شارح تشریح الافلاک

دیرینه دارد. شیخ بهایی نیز به نظم و نثر، حکایاتی با نیروی تخیل خود ساخته که مهم‌ترین آن‌ها داستان گربه و موش (یا موش و گربه) است که نام کامل آن (پند اهل دانش و هوش به زبان گربه و موش) است.

شیخ بهایی در گربه و موش منثور خود - هم‌چون موش و گربه‌ی منظوم عبید زاکنی - طنزگونه به انتقادات تند و تلخ اجتماعی و نظریه پردازى اجتماعى و پندآموزى اخلاقى پرداخته است. وی در یک فصل موش را نماد «نفس اماره» انسان و «گربه» را نماد «نیروی تخیل» و در فصلی دیگر در غوغای صوفی ستیزی فقیهان عصر صفوی، موش را شبیه «صوفی» و گربه را شبیه «فقیه» تصویر کرده است.

داستان گربه و موش شیخ بهایی مکرر همراه مجموعه‌ی آثار او (هم‌چون چاپ کلیات شیخ بهایی به دست سعید نفیسی) و گاهی به صورت مستقل و جداگانه به چاپ رسیده که نمونه‌ی اخیر آن چاپ کتاب فروشی اسلامیه در ۱۳۴۳ ش (به قطع جیبی) است. ■

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ریحانه‌الادب، ج ۳، ص ۳۰۲
- ۲- کشکول، ج ۹، ص ۵۹
- ۳- کشکول، ج ۱، ص ۲۱۴
- ۴- کلیات اشعار، صص ۱۳۸-۱۳۹
- ۵- ایرانیکا، ج ۳، ص ۴۳۰
- ۶- کلیات اشعار، ص ۱۳۷
- ۷- کلیات اشعار، ص ۱۱۰-۱۱۱
- ۸- طرائق، ج ۱، ص ۱۸۳ و ج ۲، ص ۳۲۲
- ۹- کشکول، ص ۵۵
- ۱۰- کشکول، ج ۲، صص ۲۰۴-۲۰۵ و ۲۵۳
- ۱۱- کلیات اشعار، ص ۱۳۹
- ۱۲- زندگانی سردار کابلی، ص ۱۴۵
- ۱۳- سعید نفیسی، ص ۴۹
- ۱۴- کشکول، ص ۶۰-۵
- ۱۵- کشکول، ص ۳
- ۱۶- کلیات اشعار و آثار، صص ۱۷۶-۱۷۷
- ۱۷- جعفریان، ۱۳۶۹ ش، صص ۱۲۳-۱۲۵
- ۱۸- جعفریان، همان جا، ص ۱۰۵
- ۱۹- از جمله ریحانه‌الادب، ج ۳، ص ۳۰۲

منابع

- ۱- آتشکده‌ی آذر، لطفعلی آذربیدگلی، ۱۷۰-۱۷۴
- ۲- «آثار شیخ بهایی»، کاظم مدیر شانه‌چی،

- نشریه‌ی فرهنگ خراسان، سال ۴، ش ۴، ۴۳-۴۵
- ۳- آثار ملی اصفهان، ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی، ۲۲۲-۲۲۳، ۲۹۷، ۴۰۷، ۴۶۷، ۴۷۱
 - ۴- «آرامگاه شیخ بهایی» محمدحسن رضوان، نامه‌ی آستان قدس، س ۱، ش ۱، ۵۵-۵۹
 - ۵- اثنی عشر رساله للمعلم الثالث، میرداماد، ۲-۳
 - ۶- اسناد و نامه‌های تاریخی دوره صفویه، ذبیح‌الله ثابتیان، ۳۵۶-۳۶۰
 - ۷- اعیان الشیعه، محسن امین عاملی، ۳۶۹/۴، ۳۶۹/۸، ۳۳۴/۹، ۲۴۶-۲۷۲/۱۱، ۲۸۳
 - ۸- الاثنا عشریه، حرّ عاملی، ۱۶، ۳۴، ۵۲، ۷۷، ۷۸، ۱۰۲/۵ خیرالدین زرکلی، ۱۰۲/۵
 - ۹- الانوار النعمانیه، سید نعمت‌الله جزایری، ۹۴/۱، ۱۲۵-۱۲۴۹۳
 - ۱۰- الحایق الندیة، سید علی‌خان مدنی، ۳-۲
 - ۱۱- الحدیقه الهلالیة، بهاء‌الدین عاملی، ۸۲، ۹۳، ۹۴، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۶
 - ۱۲- الذریعه، آقا بزرگ تهرانی، ۳۹-۳۷/۱، ۵۱۹، ۱۸۹، ۱۸۶/۴-۱۸۷، ۲۰۰، ۵۰۹، ۳۹/۶، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۸۹، ۲۲۴/۷-۲۲۴/۷، ۲۲۷-۲۳۴، ۲۶۲-۲۶۳، ۱۵، ۲۷۸، ۳۲۳/۱۶-۳۲۳/۱۶، ۲۰۷/۱۷، ۲۰۸، ۲۹۲، ۳۳۴/۱۸، ۳۳۶، ۳۳۷/۲۰، ۳۳۳-۳۳۳/۲۳، ۱۶۲/۲۲، ۲۵/۲۳، ۳۳-۳۸/۲۴
 - ۱۳- الروضه النضره فی علما القرن الخاوی عشره، آقابزرگ تهرانی، ۷۵، ۸۵-۸۷
 - ۱۴- العروة الوثقی (تفسیر) بهاء‌الدین عاملی، ۴۲-۴۳، ۱۱۱-۱۵۱
 - ۱۵- الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، عبدالحسین مینی، ۲۱۸/۱۱، ۲۲۴-۲۴۴، ۲۴۹، ۲۵۰-۲۵۴، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۳-۲۷۹، ۲۸۴-۲۸۴، ۲۷۹
 - ۱۶- الکنی و الالقاب، شیخ عباس قمی، ۹۷۹/۲
 - ۱۷- الهجرة العاملیه الی ایران فی العصر الصفوی، جعفر مهاجر، ۹۵، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۶، ۱۷۰-۱۷۱
 - ۱۸- اهل‌الآمل، محمد بن حسن حرّ عاملی، ۵۸/۱، ۷۸، ۹۳، ۱۵۵-۱۵۹
 - بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ۱۱/۱۰۴، ۱۱/۱۰۴، ۲۴، ۲۷، ۳۴، ۴۷، ۲۰۸، ۳۱۱، ۱۸۹/۱۰۵، ۱۹۰، ۱۹۴/۱۶-۱۹۴/۱۶-۱۵۱، ۲۳/۱۰۷، ۲۴، ۱۷۱
 - ۱۹- بحیره، فزونی استرآبادی، صفحات متعدد
 - ۲۰- «بهاء‌الدین عاملی کا ایک غیر معروف رساله (الرساله الصومیة)»، علوم اسلامیة، سال ۲، ش ۲، ۱۲۳-۱۲۸
 - ۲۱- تاریخ ادب اللغة العربیة، جرجی زیدان، ۳۴۶/۲
 - ۲۲- تاریخ ادبیات عرب، کارل بروکلمان، ۵۹۶/۲، ۵۹۵
 - ۲۳- تاریخ اصفهان، جلال همای، ۱۷/۱
 - ۲۴- تاریخ سلطانی: از شیخ صفی تا شاه صفی، حسن بن مرتضی استرآبادی، ۱۲۵، ۲۱۷
 - ۲۵- تاریخ عالم‌آرای عباسی، اسکندر بیگ منشی، ۱۵۵/۱-۱۵۸، ۱۶۸، ۱۶۸، ۶۱۰/۲، ۶۱۰/۲، ۶۱۰/۲، ۹۶۸-۹۶۷
 - ۲۶- تاریخ عباسی، جلال‌الدین منجم یزدی، ۱۰۹، ۲۶۸، ۳۰۱، ۳۲۵، ۳۴۷، ۳۶۰
 - ۲۷- تاریخ منتظم ناصری، محمد حسن اعتمادالسلطنه، ۹۵/۲
 - ۲۸- تحفة الاخیار، محمد طاهر قمی، ۳۷۲
 - ۲۹- تذکرة روز روشن، محمد مظفر صبا، ۲۱-۱۲۲

- ۳۰- تذکرة مدینه‌الادب، محمدعلی عبرت نائینی، ۴۹۷/۱-۵۰۳، ۲۱۶/۳
- ۳۱- تذکرة‌ی نتایج الافکار، محمد قدرت کوپاموی، ۱۰۳-۱۰۵
- ۳۲- تذکرة‌ی نصرآبادی، محمدطاهر نصرآبادی، ۱۵۰-۱۵۱
- ۳۳- ثراث العرب العلمی فی الرياضیات و الفلک، قدری حافظ طوقان، ۷۵، ۸۲، ۴۷۴
- ۳۴- «تسامحات ادبی» (سبک شاعری شیخ بهایی)، غلامرضا کیوان سمیعی، یادگار، سال ۲، ش ۲، (مهر ۱۳۲۴)، ۴۴-۵۶
- ۳۵- تعلیقه امل‌الامل، عبدالله فندی اصفهانی، ۷۰/۷، ۲۵۲
- ۳۶- تکملة اکمال‌الاکمال فی الانساب، ابن صابونی، ۱۳
- ۳۷- تنبیهاات، محمدقاسم بن مظفر منجم، ۲۲۳
- ۳۸- تنقیح‌المقال، عبدالله مامقانی، ۱۰۳/۳، ۱۰۳/۳، ۱۰۸-۱۰۷
- ۳۹- جامع الروات، محمد بن علی اردبیلی، ۱۰۰/۲
- ۴۰- جامع عباسی، بهاء‌الدین عاملی، ۹۶
- ۴۱- خاتمه مستدرک، میرزا حسین نوری، ۲۰۵/۲، ۲۲۳-۲۲۹، ۲۳۲، ۳۵۲، ۴۱۷/۳، ۴۱۸-۴۸۱، ۴۸۲
- ۴۲- خزائن، احمد نراقی، ۱۳۱
- ۴۳- خلاصة الاثر فی اعیان القرن الحادی عشر، محمد امین محبی دمشقی حنفی، ۳/۳، ۴۴۰-۴۴۴، ۴۵۴-۴۵۵
- ۴۴- «چهره‌ی شیخ بهایی و میرقدوسکی»، آرئور ایهام بوب، معارف اسلامی، ش ۱۲ (فروردین ۱۳۵۰)، ۷۳-۷۵
- ۴۵- «دو نکته مربوط به شرح حال شیخ بهایی»، ابراهیم برهان آزاد، یغما، سال ۱۳، ش ۳، (خرداد ۱۳۳۹)، ۱۴۳-۱۴۴
- ۴۶- دین و سیاست در دوره‌ی صفوی، رسول جعفریان، ۲۶۶
- ۴۷- دین و مذهب در عصر صفوی، مریم میراحمدی، ۵۴
- ۴۸- دیوان رضا موسوی هندی، به کوشش موسی موسوی، ۲۰-۲۲
- ۴۹- راهنمای خراسان، علی شریعتی، ۱۳۴
- ۵۰- روائح النسمات، محمدحسن میرجهانی، ۵۶، ۴۶۳
- ۵۱- روضات الجنات، محمدباقر خوانساری، ۵۳۲-۵۴۰، ۲۳۵/۱۴
- ۵۲- روضة‌المتقین، محمدتقی مجلسی، ۱۴/۱۴، ۲۳۵
- ۵۳- «رویارویی فقیهان و صوفیان در عصر صفوی»، رسول جعفریان، کیهان اندیشه، ش ۳۳ (آذر و دی ۱۳۶۹)، ۱۰۱-۱۲۷
- ۵۴- ریاض السالکین (شرح صحیفه‌ی سجادیه)، سید علی‌خان مدنی، ۴۴/۱، ۴۵-۴۵/۵، ۵۰۴/۵، ۵۰۷-۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۷-۵۱۸، ۵۲۰-۵۲۰، ۵۲۱-۵۲۹، ۵۲۹، ۵۳۲
- ۵۵- ریاض العارفين، رضا قلی هدایت، ۵۸-۶۴
- ۵۶- ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، عبدالله فندی اصفهانی، ۱۱۰/۲، ۱۱۰-۱۱۹، ۱۲۰-۱۲۰، ۹۴/۵، ۹۷
- ۵۷- ریحانه‌الادب، محمدعلی مدرس تبریزی، ۳۰۱/۳-۳۲۰
- ۵۸- ریحانة‌الابلا و زهره‌الحيات الدنيا، احمد بن محمد خفاجی، ۱۰۳-۱۰۷
- ۵۹- زندگانی سردار کابلی، کیوان سمیعی، تهران،

- زوار، ۱۳۶۴
- ۶۰- زندگانی شاه عباس اول، نصرالله فلسفی، ۳۷۶/۲، ۴۶۳، ۵۲۴، ۵۲۷، ۵۶۳، ۵۷۴، ۶۷۵، ۷۲۲، ۸۵۹/۳، ۸۶-۸۶۳، ۸۶۴
- ۶۱- سفرونامه، جان شاردن، ترجمه‌ی اقبال یغمایی، ۱۵۱۸/۴
- ۶۲- سفینه البحار، شیخ عباس قمی، ۵۸/۲
- ۶۳- سفینه الشعرا، سلیمان فهیم عثمانی، ۲۳۸-۲۳۹
- ۶۴- سلافة العصر، سیدعلی خان مدنی، ۲۵۹-۲۵۹، ۲۸۹، ۳۰۲-۴۷۸، ۴۷۹
- ۶۵- «سواد کتابت حضرت میرزا ابراهیم همدانی به حضرت شیخ بهاء الدین محمد، ابراهیم بن حسین همدانی، ارمغان، سال ۷، ش ۱، (فروردین ۱۳۰۵)، ۱۱-۱۹
- ۶۶- «سه رباعی از شیخ بهایی با یادداشت‌هایی به خط و امضا و مهر او» احمد گلچین معانی، گوهر، سال ۲ (۱۳۵۳)، ۷۰۱-۷۰۳
- ۶۷- سیمایی از شیخ بهایی در آئینه‌ی اعصار، محمد قصری، ۱۸۱-۱۸۹
- ۶۸- «شرح احوال و ذکر آثار و نقل افکار شیخ بهایی»، محسن جهانگیری، فلسفه (ضمیمه‌ی مجله‌ی ادبیات دانشگاه تهران)، ش ۱ (بهار ۱۳۵۵)، ۶۱-۹۲
- ۶۹- شیخ بهایی، زاهد سیاستمدار و دانشمند ذی فنون، محمود مهدی پور، تمام صفحات
- ۷۰- «شیخ بهایی»، نامه‌ی آستان قدس، سال ۲، ش ۲، ۵۲-۵۶، ۴، ۳۷-۴۲، ش ۵، ۴۸-۷۲، ش ۶، ۴۶-۵۲
- ۷۱- «شیخ بهایی»، محمد طاهری شهاب، سالنامه‌ی دنیا، ش ۱۷، ۲۷۱-۲۷۳
- ۷۲- «شیخ بهایی عاملی»، احمد نیکوهمت، شایسته، ۲۷ خرداد، ۳ تیر، ۱۰ تیر، ۱۷ تیر، ۲۴ تیر ۱۳۶۵
- ۷۳- «شیخ بهایی و کشکول او» استوارت دوین (ترجمه‌ی حسین معصومی همدانی)، نشر دانش، سال ۱۱، ش ۳، (فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۰)، ۴۶-۴۷
- ۷۴- عرفان و ادب در عصر صفوی، احمد تیمیم داری، ۷۰
- ۷۵- طبقات اعلام الشیعه، آقا بزرگ تهران، ۱۶۳
- ۷۶- طبقات الشافعیه الکبری، عبدالوهاب سبکی، ۵۶/۸-۵۹
- ۷۷- طرایق الحقایق، معصوم عیاشه نایب الصدر، ۱۸۳/۱، ۱۹۷-۱۹۷، ۲۰۳، ۲۲۸، ۲۵۲/۲، ۳۲۲، ۲۱۵/۳
- ۷۸- ظرایف المقال فی طبقات الرجال، علی اصغر بن محمد شفیع جابلقی بروجردی، ۳۹۳/۲
- ۷۹- فلاسفه‌ی شیعه، عبدالله نعمه (ترجمه‌ی جعفر غضبان) ۵۵-۵۶، ۳۴۹-۳۵۶
- ۸۰- فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منادی، ۱۷۲۶/۲
- ۸۱- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌ی عمومی آیت الله مرعشی نجفی، احمد حسینی، ۶۱/۸
- ۸۲- فوائد الرضویه، شیخ عباس قمی، ۵۱۰/۲
- ۸۳- قاموس الاعلام، شمس الدین سامی، ۱۴۱/۲
- ۸۴- قصص الخاقانی، ولی قلی شاملو، ۱۸۳/۱-۱۸۴
- ۸۵- قصص العلماء، محمد بن سلیمان تنکابنی، ۲۲۷-۲۴۵
- ۸۶- کتاب دایرة المعارف، بطرس بسنتانی، ۱۱/۱-۴۶۲، ۴۶۳
- ۸۷- کشف الاسرار من وجه الاستار، علیقلی امین، خطی
- ۸۸- کشکول، بهاء الدین عاملی، ۹/۱، ۱۳-۱۴، ۲۸-۲۹، ۴۶-۴۷، ۵۳-۵۵، ۵۸، ۷۰، ۱۱۵، ۱۳۱-۱۳۴، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۶۶، ۱۷۹-۱۸۱، ۱۸۹-۱۹۴، ۲۱۰-۲۱۶، ۲۲۱-۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۳۰-۲۳۳، ۲۳۶، ۲۴۴-۲۴۴، ۲۶۶-۲۷۱، ۲۷۷-۲۷۷، ۷/۲، ۸، ۳۳، ۱۲۰، ۲۰۰-۲۰۱، ۲۰۴-۲۰۵، ۲۵۳، ۲۹۹-۲۹۹، ۳۳۵، ۳۴۹، ۵۶/۳، ۱۷۳، ۲۲۲-۲۲۵، ۲۵۵، ۲۶۱، ۳۲۱، ۳۰۹، ۴۰۹، ۴۱۱، ۴۳۳-۴۳۳، ۴۳۷
- ۸۹- «کفاره‌ی روزه‌ی که خورد رمضان» (شرح از جامی، شیخ بهایی و امیری لاهیجی)، ابراهیم دیباجی، وحید، سال ۴ (۱۳۴۵/۶)، ۳۳۷-۳۴۱
- ۹۰- کلیات اشعار و آثار فارسی شیخ بهایی، بهاء الدین عاملی، چاپ سعید نفیسی، تمام صفحات
- ۹۱- گلزار معرفت، حسین آزاد، ۴۳، ۴۶، ۶۶، ۹۰، ۱۱۸، ۱۴۲، ۲۰۰
- ۹۲- «کنگره‌ی بزرگداشت شیخ بهایی در دمشق»، کیهان فرهنگی، سال ۳ (۱۳۶۵)، ش ۵، ۴۲-۴۳
- ۹۳- گنجینه‌ی آثار تاریخی اصفهان، لطف الله هنرفر، ۳۵۵
- ۹۴- لؤلؤ البحرین، یوسف بحرانی، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۶، ۲۷، ۴۳۴-۴۳۵
- ۹۵- لوازم صاحبقرانی، محمدتقی مجلس، ۱/۱۴: ۳۰۴-۳۰۴
- ۹۶- مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ۳۱۷-۴۲۱

منابع لاتین

دایرة المعارف اسلام (چاپ دوم)

1. S.A. Arjomand, "Religious Extremists (Ghuluww), Iofism and Sunnism in Safavid Iran : 1501-1722", Journal of Asian History, 15, 1981, pp. 16,25-27 ;
2. A. Bausani, in Proceedings of the Ninth Congress of the UEAL, Leiden, 1981, pp. 23 ff; Browne, E.G. , A History of the Persian Literature in Modern Times : 1500-1924. Vol.IV, Cambridge, 1924, pp. 253, 364, 407, 726-28 ;
3. Encyclopaedia Iranica, s.v. "Baha al-Din Ameli" (by E.Kohlberg), vol.IIH, pp.429-430 .

وقت وداع یاران

● اردشیر محمض، کاریکاتوریست نامدار، متولد ۱۸ شهریور ۱۳۱۷ در رشت، در هیجدهم مهر ۱۳۸۷ در سن ۷۰ سالگی در آمریکا بدرود زندگی گفت. پدر او عباسقلی محمض، قاضی دادگستری بود. اردشیر محمض پس از انقلاب بهمن ۱۳۵۷ از ایران به آمریکا مهاجرت کرد و در آنجا به شهرت بین‌المللی رسید.

● ارحام صدر، هنرمند معروف تئاتر در آذر ۱۳۸۷ در اصفهان با زندگی وداع گفت. از او در شماره‌های پیشین این مجله مکرر یاد کرده بودیم و زندگی‌نامه‌اش همراه عکس او با سردبیر نیز پیش از این در حافظه شماره‌ی ۲ (اردیبهشت ۱۳۸۳)، صص ۸۱-۸۲ چاپ شده بود.

● دکتر اسماعیل شهیدی از پزشکان متعدد و خدمتگزار ساری در شب یلدا (یکم دی) ۱۳۸۷ در آن شهر بدرود زندگی گفت. پسر او دکتر غلام‌علی شهیدی داماد دکتر مظاهر مصفا و دختر او همسر دکتر سینا شهنسورانی (فرزند همکار فرزانه و پیشکسوت ما جناب حسین شهنسورانی) اند.